

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان) و یادداشت پورتال
۰۱ مارچ ۲۰۲۲

مسبب اصلی بحران اوکراین غرب به سرکردگی امپریالیسم امریکاست

مردم دنیا در کجای جهان ایستاده اند؟

اگر نخواهیم اطاله کلام بکنیم، تعریف بسیار ساده «انقلاب صنعتی»، اختراع و تولید «ابزار تولید» است. انقلاب صنعتی در غرب سبب پیدایش نظم جدیدی به نام سرمایه داری شد. نظام سرمایه داری گامی بس بلند در جهان بود که در مدتی کوتاه پیشرفت و دگرگونی های شگرفی به وجود آورد.

اما، رشد سرمایه داری که از متفکران و اندیشمندان چون ولتر، روسو، منتسکیو، ریکاردو و از مخترعان و مکتشفان بنامی همچون ادیسون، جیمزوات و دیگران و سیاستمداران برجسته ای چون آبراهام لینکلن، بیسمارک و غیره شروع شده بود در تکامل خویش به گنبدی، یعنی امپریالیسم، رسید و به مرتجع ترین و فاشیست ترین نیروهای اجتماعی ختم شد. به عنوان نمونه امریکا رومی توان مثال زد. امپریالیسمی جنگ افروز و کودتاگر، که باتکیه و پشتیبانی از «اسلام سیاسی» به نامهای اخوان المسلمین، القاعده، سلفی ها، داعش و وهابی ها و به کمک دیکتاتورها و فاشیست هائی چون پینوچیت، باتیستا، سوهارتو، موسی چومبه، جنرال ویدلا و سیاستمداران جنایتکاری به نام کلینتون و جرج بوش، جهانی رابه خاک و خون و تباهی و ویرانی کشاند و هنوز هم سر آن ندارد که از جنگ افروزی و غارت ثروت کشورهای جهان دست بر دارد.

در سال ۱۹۴۹، امپریالیست های غربی، سازمان آتلانتیک شمالی، به انگلیسی «Nato» و به زبان فرانسوی «Otan»، را با همکاری دوازده کشور از جمله امریکا، فرانسه، بریتانیا و کانادا و غیره، از ترس ارتش سرخ شوروی سوسیالیستی زمان ستالین بزرگ، که پوزه قدرتمندترین ماشین جنگی جهان یعنی فاشیسم هیتلری رابه خاک مالیده و بخش بزرگی از اروپا و جهان را آزاد کرده بود، پایه گذاری کردند.

پس از درگذشت رفیق ستالین و روی کار آمدن دلکی به نام خروشچف و حاکم شدن رویزیونیسم بر حزب و دولت اتحاد شوروی چرخشی کیفی در ساختار سیاسی و اقتصادی پدید آمد. رویزیونیسم دشمن قسم خورده سوسیالیسم و کمونیسم است. رویزیونیست ها اقتصاد با برنامه سوسیالیستی و بر پایه نیاز انسان و جامعه رابه سمت سوددهی و بهره وری کالائی و رقابت تسلیحاتی با غرب سوق دادند و لذا تاب نیاورد و سرانجام جامعه را به فساد و تباهی کشاندند تا جائی که بالاخره از هم گسیخت و فروپاشید.

ظاهراً بعد از فروپاشی رسمی شوروی «ناتو» می‌بایست نقش وجودی خود را از دست می‌داد زیرا که دیگر «دشمن» قدرتمندی نبود. اما ساده اندیشی است اگر چنین توقعی از امپریالیسم داشته باشیم چون که ذات و ماهیت امپریالیسم تسلط کامل و بلامنزاع بر جهان است. بر این اساس «ناتو» را گسترش دادند و اعضای آن را به ۳۰ کشور رساندند. تصمیم داشتند گرجستان و اوکراین را هم عضو ناتو کنند تا بلکه روسیه و درآینده چین و همه کشورهای «متمدن» دیگر را تسلیم مطامع سیری ناپذیر خود کنند. ابتداء با هزینه ۵ میلیارد دلاری «انقلابی»، توبخوان کودتائی، در اوکراین به راه انداختند و فاشیست های طرفدار «استفان باندر»، هم پیمان هیتلر را به قدرت رساندند و بدین طریق حدود ۶۰ هزار فاشیست اوکراینی، مستقیم و غیرمستقیم نبض حاکمیت را به دست گرفتند. هدف از این کودتا پس گرفتن «کریمه»، قتل عام خلق های دونتسک و لوگانسک و تضعیف و تجزیه روسیه بود. اما روسیه قدرتمند از نظر تسلیحاتی نمی‌توانست چنین اجازه ای به امپریالیست های ناتوی بدهد زیرا که مسأله بر سر حیات و ممانت خلق کریمه، خلق های منطقه روس تباردنیاس (دونتسک و لوگانسک) و ملت روسیه بود. در اینجا سخن بر سر دفاع علیه تجاوز، علیه فاشیسم و درگیری طبقاتی مابین خلق و ضدخلق و حق حاکمیت کشورها و ملت هاست نه جنگ بین امپریالیست ها که عده ای موزیدانه و شایدناگاهانه به آن دامن می‌زنند! ما می‌گوئیم مسبب اصلی این جنگ امریکاست. ستراتیژی آنها حفظ و تقویت موقعیت هژمونیک خود در جهان است. در نتیجه، سیاست جنگی امریکا به این سمت می‌رود:

- تسخیر مناطق و کشورهای که قبلاً تحت نفوذ روسیه بودند و آنها را در ناتو بگنجاند.

- روسیه را از نظر نظامی محاصره کند، آن را از نظر اقتصادی تضعیف نماید تا نتواند به عنوان یک بازیگر قدرتمند در عرصه منطقه ای و جهانی نقشی ایفا کند.

این هم باید دانسته شود که روسیه قصد تصرف و اشغال اوکراین و ضمیمه آن را به خاک خود ندارد. تصرف اوکراین برای روسیه نه تنها صرفه ای ندارد بلکه در آن صورت، کشور درب و داغان اوکراین قوز و سرباری برای رهبران مسکو و مردم روسیه خواهد شد و مضافاً این که در چنین حالتی، اشغال و الحاق خاک اوکراین، ماهیت نزاع به گونه دیگر رقم خواهد خورد.

مقابله روسیه در مقابل زیاده خواهی و نقشه های شوم امریکا، کانادا، استرالیا که از آن طرف کره زمین پشت مرزهای روسیه نیرو پیاده کرده و به حمایت از دولت پوشالی «زلنسکی» برخاسته و نیرو و تجهیزات نظامی به اومی رسانند و همچنین در مقابل بعضی کشورهای فرومایه و بی استخوان اروپائی اقدامی مثبت و در جهت تضعیف اهریمن ترین قدرت امپریالیستی در راستای استقرار نظم چند قطبی در جهان است. قدرتی متجاوز و بیرحم و ضد بشر که از نازیسم در اوکراین حمایت می‌کند.

سیاست مبارزه با تجاوز و حفظ صلح جهانی و احترام به حقوق ملل در عرصه جهانی سیاست مترقی و صحیحی است که باید در شرایط کنونی جهان از آن دفاع کرد. اتخاذ این سیاست که گویا امپریالیست امپریالیست است و یا ارتجاع ارتجاع است ناشی از تحلیل مشخص از شرایط مشخص نیست. مخالفان چنین سیاستی امروز باید در مقابل روسیه با پرچم پوتین ستیزی و روسیه هراسی و در صف متجاوزان ناتوی و جریانات دست راستی و نئونازی های اوکراینی به میدان آیند و از "نقض حقوق ملل" و حمایت از حکومت نازیها در کی یف داد سخن گویند. همانگونه که مخالفان دولت قانونی و مستقل بشارت اسد در جنگ تجاوز کارانه سوریه، به دفاع بیشرمانه از آدمخواران داعش پرداختند.

مردم آزادیخواه، صلح دوست، ضد امپریالیسم و متمدن جهان در جبهه آزادی و استقلال و در دنیای کرامت انسانی ایستاده اند و به زیر بار زورگوئیهای جنگ افروزان ریاکار غرب نخواهند رفت. «مدعی گرنکنند فهم سخن، گوسروخت»

یادداشت:

درک و برداشت ما از عنوان درست و بجای مقاله که غرب را به سرکردگی امپریالیسم امریکا "مسبب اصلی بحران اوکراین" معرفی می‌دارد به ما این اجازه را می‌دهد تا بنویسیم: در کنار مسبب اصلی حتماً مسبب و یامسببان فرعی نیز در این بحران وجود دارند که به نظر ما در رأس آن سرمایه امپریالیستی روسیه است که اهداف و نیات خود را در پس خواستهای بحق خلقهای کریمه و دونباس پنهان نموده است.

از همین رو ما وضعیت کنونی در اوکراین را بازتاب تضاد های درونی سیستم امپریالیسم دانسته، معتقدیم که هر دو طرف جنگ ارتجاعی و ضد انقلابی بوده، شکست و یا پیروزی هیچ یک از طرف های درگیر، متضمن تأمین منافع پرولتاریای روس، اوکراین، دو نباس و یا منطقه نیست.

اداره پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان"